

بررسی قوانین و مقررات مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق ایران و افغانستان و کنوانسیون

بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم

حمیدرضا دبیرزاده^۱ - احمد حاجی ده آبادی^{۲*} - حسن پوربافرانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

چکیده:

یکی از پدیده‌های شوم عصر حاضر، تروریسم و به تبع آن تامین مالی تروریسم می‌باشد. در کشور افغانستان شاهد عزم جدی در مبارزه با این پدیده شوم هستیم؛ قانون مبارزه علیه تمویل تروریسم (۱۳۸۳) و قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶ در این راستا می‌باشد. یافته‌های این تحقیق گویای ضعف‌های قانونی ایران و افغانستان در مبارزه با تامین مالی تروریسم و وجود مقررات پراکنده در این زمینه و لزوم بازنگری جدی در مقررات دو کشور می‌باشد و تا حدی نیز موید همگرایی نسبی بین حقوق کیفری ایران و افغانستان از حیث تقنینی است. روش تحقیق تحلیلی - مقایسه‌ای است و سوالی که مطرح می‌باشد این است که قوانین کشور ایران و افغانستان تا چه اندازه از کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم تبعیت می‌کند؟ که به نظر می‌رسد قانون کشور افغانستان بطور کامل و قانون کشور ایران نیز تا حد زیادی منبعث از کنوانسیون می‌باشد.

واژگان کلیدی: پولشویی، تامین مالی تروریسم، تروریسم، کنوانسیون

JPIR-2102-1767

۱- گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۲- گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران: نویسنده مسئول

عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

adehabadi@ut.ac.ir

۳- گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تروریسم به عنوان یک پدیده مجرمانه با رشد فزاینده به خصوص در دو دهه اخیر همراه بوده است؛ لیکن علی‌رغم تمامی سعی جامعه بین‌المللی در شناسائی و مبارزه با آن تاکنون موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است. شاید علت این امر را از یک طرف در نبود یک توافق جمعی در سطح جامعه جهانی بر سر تعریف و مصادیق این جرم دانست و از طرفی دیگر به دلیل بی‌توجهی یا کم توجهی به این پدیده مجرمانه در حقوق داخلی کشورها می‌باشد. نظام قانونگذاری ضدتروریسم علی‌رغم اینکه جامعه ایرانی به خصوص بعد از انقلاب اسلامی قربانی اقدامات تروریستی بوده است جایگاهی در نظام موضوعه کیفری ایران ندارد و تنها تلاشی که در سال‌های اخیر توسط حقوقدانان صورت گرفته است تنظیم "لایحه ضدتروریسم" بوده است که این لایحه نیز در مجلس به فراموشی سپرده شده است. تأمین مالی تروریسم را در ساده‌ترین صورت می‌توان ارائه وجوه به تروریسم تعریف کرد. جذب منابع مالی جهت اقدامات تروریستی به طرق مختلف صورت می‌گیرد اما در ادبیات حقوقی، معمولاً تأمین مالی تروریسم در کنار جرم پول‌شویی قرار می‌گیرد. بطور کلی آنچه موجب ارتباط پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است این است که اولاً اقدامات تروریستی عمدتاً از طریق پول‌شویی تأمین مالی می‌شوند. ثانیاً گفته می‌شود که تأمین مالی تروریسم در زمره جرایم منشأ تروریست است یعنی مالی که در نتیجه تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود در اکثر موارد نامشروع است و چنانچه چنین مالی به قصد پنهان ساختن منشاء انتقال شود جرم پول‌شویی رخ داده است. ثالثاً مقایسه کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و اسناد بین‌المللی ناظر به موضوع پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم نشان می‌دهد که راهکارهای مبارزه با این دو پدیده در بسیاری موارد یکسان و مشابه هم هستند. به طور کلی یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور کشورها خود به طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. با عنایت به اهمیت و آثار سوء اقدامات تروریستی توسط اشخاص، سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی، این تحقیق از این جهت دارای اهمیت است که به بررسی ارکان این جرم، راهکارهای کنشی مواجهه با آن و ارائه پیشنهاد‌های سازنده در کنار معرفی و توجیه تعامل جرم تأمین مالی تروریسم با پول‌شویی می‌پردازد. دامنه و سطح مطالعه این تحقیق، مقررات مربوط به تأمین مالی تروریسم را با تکیه بر کنوانسیون مربوطه، قوانین ایران و افغانستان به رشته تحریر در آورده است.

مبانی نظری پژوهش

مهم‌ترین اثری که بر مقابله با تأمین مالی تروریسم متصور است، کاهش اقدامات تروریستی

می‌باشد؛ زیرا اقدامات تروریستی نیازمند منابع مالی و سرمایه‌های فراوان جهت انجام، سازماندهی، انتقال تروریست‌ها، تهیه ابزار و وسایل تروریستی، آموزش تروریست‌ها و نظایر آن است. محدود شدن منابع و سرچشمه‌های مالی و در نتیجه محدودیت تروریست‌ها از لحاظ حمایت‌های مالی رابطه معکوسی با افزایش یا کاهش تعداد و تشکیلات تروریستی و در نتیجه اقدامات تروریستی دارد. (پورقهرمانی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۰) تروریست‌ها باید به نوعی منابع مالی اقدامات دهشت افکن خود را تأمین کنند. این منابع مالی از طریق فعالیت‌های قانونی و غیر قانونی آنها و از همه مهمتر حمایت‌های مالی برخی دولت‌ها فراهم می‌شود. (الهوپی نظری و جلالی، ۱۳۹۶: ۷۴۴) با عملیاتی شدن استانداردهای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در بسیاری از کشورها اهدا کنندگان به خصوص ثروتمندان در مورد خطرهای مشارکت در تأمین مالی تروریست‌ها بسیار هوشیارتر شده‌اند، چرا که این خطرها متوجه معشیت، شهرت و حتی آزادی آنها می‌شود، همین مسئله سبب پیچیده‌تر شدن روابط آنها شده است. از سوی دیگر گروه‌های تروریستی به شکل فزاینده‌ای با بومی‌ها، درون جوامع یا نزاع‌های بین قومی درگیر شده‌اند که ربطی به مبارزه با دخالت‌های خارجی یا جنگ با سیاست‌های دولت ندارد (بارت^۱، ۲۰۱۲: ۲)

تأمین مالی تروریسم

در ساده‌ترین صورت، تأمین مالی تروریسم را می‌توان به در اختیار قرار دادن وجوه یا ایجاد تسهیلات برای متصرف شدن آنها توسط تروریست‌ها دانست. (رادمندی، ۱۳۸۹: ۳۶) تأمین مالی تروریسم جرم بزرگی است که می‌تواند اقتصاد مملکت را تحت تأثیر خود قرار دهد و دارای آثار و تبعات فراوانی در سطح جامعه است. (پائولسن^۲، ۲۰۱۲: ۶۳) نیاز تروریست‌ها به منابع مالی موجب گردید تا با توجه به همپوشانی منافع آنها با برخی از دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌کردند. (آدامز^۳، ۱۹۸۶: ۳۷)

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش فضای سایبر، فعالیت گروه‌های تروریستی، مانند سایر گروه‌های مجرمانه وارد مراحل پیچیده‌تری شده است. ارز مجازی یک نشانه دیجیتال از ارزشی است که می‌تواند به صورت دیجیتالی معامله شود و به عنوان یک ابزار مبادله یا یک واحد حساب یا یک مجموعه ارزش عمل می‌کند، اما وضعیت قانونی پول رایج را در هیچ حوزه قضایی

¹-Barrett

²-Paulussen

³-Adames

ندارد، توسط هیچ حوزه قضایی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و عملیات فوق تنها با توافق در جامعه کاربران پول مجازی انجام می‌گیرد. در سال‌های اخیر ارزهای مجازی، مانند بیت کوین، توجه را به سمت خود جلب کرده و با پذیرشی چشمگیر در بازار روبه‌رو شده‌اند. در حالی که از این‌گونه ارزها، بیشتر در فعالیتهای مشروع استفاده می‌شود، گروه‌های مجرمانه به ویژه گروه‌های تروریستی نیز از ویژگی‌های منحصر به فرد آن غافل نبوده‌اند. (خلیلی‌پاچی، ۱۳۹۶: ۳۳) علاوه بر استفاده از ارزهای مجازی، تروریست‌ها می‌توانند از عملیات بانکی با تغییر نام، حساب‌های صوری و... بهره‌مند گردند که ریسک بالاتری نسبت به ارز مجازی دارد. (جعفری و کشوری، ۱۳۹۶: ۸۶)

نیاز تروریست‌ها به منابع مالی موجب شد تا با توجه به همپوشانی منافع آنها با برخی دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌کردند. کمک‌های مالی شوروی سابق، کره شمالی و کوبا به گروه‌های تروریستی مارکسیستی سراسر جهان در همین زمینه صورت می‌گرفت. لیبی چنین کمک‌هایی را سخاوتمندانه به گروه‌هایی چون بریگادهای سرخ، ارتش جمهوری خواه ایرلند، بربهای تامیل، ارتش سرخ ژاپن و دیگر گروه‌ها تقدیم می‌کرد. (آدامز، ۱۹۸۶: ۳۷)

مبارزه با تأمین مالی تروریسم تنها در اقدامات سازمان‌های بین‌المللی سیاسی همچون سازمان ملل خلاصه نشد و با ورود به سازمان‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی همچون گروه ضربت اقدام مالی موسوم به فنت^۱، گروه اگمونت، کمیته بازل و مانند آنها نقش اصلی و محوری را این سازمان‌ها برعهده گرفتند. توصیه‌ها و استانداردهای تعریف شده توسط این سازمان‌ها هر چند از دید حقوق بین‌الملل برای کلیه کشورهای الزام‌آور نیستند، از آن نگاه فعّان بانکی و اقتصادی الزام‌آوردند و تأثیر مستقیم در این مقابله دارند. بر این اساس با تلاش‌های صورت گرفته و هم‌اکنون شاهد ایجاد نظام حقوقی و مالی برای مقابله با حمایت مالی از تروریسم هستیم. (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶۳)

رابطه بین تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی

ارتباط نزدیک پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، برخی کشورها را بر آن داشته است که در قانونی واحد به مبارزه با این دو پدیده نامطلوب بپردازند. این شیوه رویکردی شایسته است؛ زیرا صرف نظر از جهات ارتباط این دو پدیده، روش‌های مبارزه با این دو پدیده نیز تقریباً مشترک است.

^۱ - FATF

گروه ویژه اقدام مالی نیز که در ابتدا رسالت آن مبارزه با پولشویی بود در سال ۲۰۰۱ ماموریت خود را گسترش داده است و مبارزه با تامین مالی تروریسم را نیز در دستور کار خود قرار داد. شباهت مکانیسم پولشویی و تامین مالی تروریسم روش‌ها و شیوه‌های مورد استفاده یکسان‌اند. بر این اساس از راهکارهای پیشگیری و رژیم مبارزه مشابه پیروی می‌کنند. (سیاه بیدی کرمانشاهی و ثالث موید، ۱۳۹۶: ۲۷)

سازمان ملل متحد در راستای همین سیاست و برای تأکید بر مرتبط بودن این دو جرم در سال ۲۰۰۳ توسط «ادارهٔ مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد»^۱ اقدام به تهیه و تدوین پیشنویس «قانون نمونهٔ سازمان ملل متحد در مورد پولشویی، عواید جرم و تأمین مالی تروریسم» کرد. (UNODC, 2003:13) لیکن قانون صرفاً در جهت رسالت مشورتی سازمان ملل است و جنبهٔ الزام‌آور ندارد. شورای اروپا نیز به منظور تسری مقررات مصرحه در دستورالعمل سال ۲۰۰۱ به تأمین مالی تروریسم در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ دستورالعمل جدیدی را با عنوان «دستورالعمل مربوط به ممانعت از استفاده از سیستم مالی به منظور پولشویی و تأمین مالی تروریسم» تصویب کرد. این دستورالعمل برخلاف دو دستورالعمل قبلی این شورا، یعنی دستورالعمل‌های سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ که فقط ناظر به پولشویی بودند، حاوی مقررات مشترکی برای پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. ارتباط نزدیک بین پولشویی و تأمین مالی تروریسم اغلب می‌توان به ماهیت پنهانی و مخفیانهٔ آنها دانست. به این معنا که کلاً پولشویی برای مخفی نگه‌داشتن منبع اصلی اموال مجرمانه است و در مورد تأمین مالی تروریسم نیز حتی اگر وجوه و بودجهٔ عملیات تروریستی از منابع قانونی و مشروع هم تأمین شده باشد، آنها نیازمند اختفا و کتمان روابط بین این وجوه و منابع مشروع هستند.

راهبرد مبارزه با تامین مالی تروریسم در کنوانسیون مربوطه و قوانین افغانستان و ایران

ایجاد کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و صدور قطعنامه‌های مختلف به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت سازمان ملل نشان از اهمیت منهدم ساختن منابع مالی تروریسم در نزد جامعه جهانی دارد. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۰) و جمهوری اسلامی افغانستان با تصویب قانون مبارزه علیه تمویل تروریسم (۱۳۸۳) و قانون جزای افغانستان (۱۳۹۶) بنا به درخواست کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و قطعنامه ۱۳۷۳ که از پشتوانه فصل هفتم منشور ملل متحد برخوردار است همسو با جامعه جهانی در پی جلوگیری از منابع تغذیه‌ای تروریسم هستند.

^۱-UNODC Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

عدم عضویت ایران در کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم باعث محرومیت این کشور از مزیت‌های کنوانسیون به عنوان یک نهاد بین‌المللی گردیده است و در افغانستان عدم موجودیت قانونی در جهت نظارت بر فعالیت‌های تجارت الکترونیکی و رایانه‌ای در این کشور، با توجه به گسترش و تأثیر روز افزون فضای مجازی در تعاملات انسانی می‌تواند مورد سوء استفاده سازمان‌های تروریستی در جهت افزایش سرمایه آنها قرار گیرد. (مصون، ۱۳۹۲: ۱۷) یکی از روش‌هایی که حامیان مالی تروریسم می‌توانند در قالب درست ولی با باطنی غیر قانونی و حاوی تأمین مالی تروریسم از آن بهره‌مند شوند، فورفیتینگ^۱ است. آنچه که در فورفیتینگ مورد واگذاری واقع می‌شود ممکن است حق مطالبه پرداخت اشخاص مانند صادرکننده از وارد کننده یا مدیران اصلی باشد یا اینکه صادرکننده حق مطالبه پرداخت خود از ثالثی غیرمدیون اصلی را به فورفیتر واگذار نماید. (افشار قوچانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳)

بسیاری از آژانس‌های اعتباری رسمی، تاییدیه‌ای مبنی بر عدم پرداخت‌های غیر قانونی و عدم وجود فساد را به عنوان یکی از شرایط مشارکت در تأمین مالی پروژه مقرر می‌دارند. حتی برخی از کشورها، قوانین خاصی را در این زمینه به تصویب رسانده‌اند. قانون رویه‌های مبتنی بر فساد خارجی (۱۹۷۷) ایالات متحده آمریکا نمونه‌ای از این دست قوانین است. (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۳۹) در حوزه جهانی کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) یک سند مهم، هنجار و الزام تلقی می‌گردد. که با توجه اهمیت به طور اختصار بررسی می‌گردد:

کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم -

انتظار می‌رود با توجه به اقدامات گسترده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در جهت اجرایی کردن اکثر مواد این کنوانسیون در آینده نزدیک تعداد زیادی از کشورها به این کنوانسیون ملحق گردند. مهم‌ترین مطالب مندرج در کنوانسیون را می‌توان به ۳ دسته عمده تقسیم کرد:

- ۱- تعهد دولت‌ها برای ایجاد جرم تأمین مالی تروریسم در قوانین داخلی خود (جرم‌انگاری)
- ۲- تعهد دولت‌ها در مورد معاضدت و همکاری در خصوص موضوعات تحت شمول کنوانسیون
- ۳- وضع تعهدات خاص در مورد الزام موسسات مالی به بازرسی و گزارش اسناد مربوط به تأمین مالی تروریسم.

به موجب ماده ۴ کنوانسیون مزبور، کلیه کشورهای عضو مکلف به انجام دو وظیفه هستند: ۱- وضع قانون و جرم‌انگاری لازم طبق مقررات داخلی. این بند مبین نوعی صلاحیت تکمیلی با حفظ تفوق مقررات داخلی است و ماده ۸ کنوانسیون به صراحت به اصالت اصول حقوقی کشورها قائل است.

۱- فورفیتینگ نوعی تأمین مالی است که اشخاص اقدام به واگذاری اسناد ثابت کننده حق مطالبه خود می‌کنند.

۲- مجازات مرتکبین جرم. در سند موصوف، با لفظ مبهم (هر جرمی) سعی در تبیین مفهوم تامین مالی تروریسم دارد.

یکی از مزایای این کنوانسیون تعیین تکلیف شرکا و معاونین اشخاصی است که اقدام به تامین مالی تروریسم می‌نمایند. همچنین تاسیس نهادی با ماهیت سازمان یافتگی و تشکل در ماده ۵ از دیگر محاسن سند فوق است.

همچنین دولت‌ها به موجب قطعنامه مکلف به رعایت این تدابیر ویژه شده‌اند:

۱- از تهیه هرگونه حمایت مستقیم یا غیر مستقیم از افراد و نهادهایی که در اعمال تروریستی دست داشتند خودداری کند. این کار می‌تواند از طریق منع عضوگیری گروه‌های تروریستی و یا کاهش تهیه سلاح برای تروریست‌ها صورت گیرد؛

۲- انجام اقدامات لازم برای پیشگیری از وقوع اعمال تروریستی از جمله دادن اخطارهای به موقع به دیگر کشورها از طریق تبادل اطلاعات؛

۳- فراهم نکردن پایگاه امن برای سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی، حمایت یا ارتکاب اعمال تروریستی؛

۴- ممانعت از سرمایه‌گذاری، طراحی، تسهیل یا ارتکاب اعمال تروریستی با استفاده از قلمرو کشورها بر علیه کشوری دیگر یا شهروندان آنها؛

۵- اطمینان از اینکه هر فردی که در سرمایه‌گذاری، طراحی، آمادگی یا ارتکاب اعمال تروریستی شرکت می‌کند یا در جهت حمایت از فعالیت‌های تروریستی کار می‌کند مجازات می‌شود و همچنین حصول اطمینان از اینکه علاوه بر هر اقدام دیگری علیه آنها، چنین اعمال تروریستی به عنوان تجاوز جنایی جدی در قوانین داخلی تلقی شده و مجازات تعیین شده نیز حاد بودن این اعمال را منعکس می‌کند؛

۶- ارائه کمک‌هایی در رابطه با بررسی‌های جنائی یا روندهای محاکمات جنائی که مرتبط به سرمایه‌گذاری یا حمایت از اعمال تروریستی می‌باشند از جمله کمک در جمع‌آوری شواهد لازم برای روند محاکمات؛

۷- پیشگیری از حرکات تروریستی یا گروه‌های تروریستی با کنترل موثر مرزها و کنترل صدور برگه‌های هویت و اسناد سفر و از طریق اقداماتی برای جلوگیری از جعل، تقلب و استفاده حقه بازانه از اسناد هویتی و سفر.

ماده ۱۷ کنوانسیون مذکور بیان می‌نماید هرگاه کسی به اتهام ارتکاب مواردی که در این کنوانسیون جرم‌انگاری شده دستگیر شود باید با وی برخورد و رفتار عادلانه صورت بگیرد؛ از جمله اینکه از کلیه حقوق برخوردار باشد و بر طبق قانون آن کشور تضمین شود که از کلیه

حقوقی که ناشی از عضویت آن کشور در معاهدات حقوق بشری است بهره‌مند شود. بسته به تعهدات بین‌المللی کشور، قانون اجرایی ممکن است مواد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یا میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی باشد همچنین مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر چیزی که در این مهم است این نکته است که آیا افراد و سازمان‌هایی که نسبت به بلوکه نمودن اموال و دارایی‌های خود معترض‌اند می‌توانند تظلم نموده یا از دیگر روش‌های رسیدگی به شکایت خودشان بهره‌مند شوند. (CTED, 2001)

مبارزه با تامین مالی تروریسم در افغانستان

با توجه به وضعیت و موقعیت کشور افغانستان از لحاظ جرم خیز بودن و تمویل تروریسم و همچنین مسیر ترانزیت مواد مخدر، کشور افغانستان برای مبارزه با این پدیده مخرب و شوم اقدام به جرم‌انگاری پدیده تطهیر و تمویل تروریسم نموده و تدابیر کیفری برای آن در نظر گرفته است.

در قانون جدید جزای افغانستان (۱۳۹۶) یک فصل مستقل در رابطه با تعریف، مصادیق، عناصر تشکیل دهنده و مجازات آن در نظر گرفته شده است. یکی از مشکل‌ترین کارها در این بخش تبیین ماهیت تعریف جرایم تروریستی است که آن را از دیگر جرایم امنیتی و سیاسی متمایز می‌کند. یکی از نقاط ضعف قانون مبارزه با جرایم تروریستی (۱۳۸۷) در بخش مجازات با افزایش میزان مجازات حبس و موارد اعدام در قانون جدید رفع شده است. مقنن افغانستان طی ماده ۹ به تبیین ابعاد و قلمرو این جرایم پرداخته است. رفتارهایی از قبیل حمله انتحاری، جرایم استفاده از مواد منفجره یا مواد کشنده، جرایم تروریستی مرتبط با مواد هسته‌ای، جرایم تروریستی علیه اشخاص، تخریب تاسیسات زیر بنایی دولت، جرایم تروریستی علیه اشخاص دارای مصونیت بین‌المللی و غیره مهم‌ترین مصداق‌های اعمال تروریستی (در افغانستان) می‌باشد. قانون مبارزه علیه تمویل تروریسم (۱۳۸۳) با سیاقی نامنظم در افغانستان تصویب گردید که فاقد اسلوب‌های نگارش قانون است؛ لیکن می‌توان این قانون را برداشتی از کنوانسیون دانست. اکنون لازم است به ذکر برخی از موارد مهم در خصوص مبارزه با تروریسم که در افغانستان (تمویل تروریسم) نام دارد اشاره کنم. مطابق قانون جلوگیری از تمویل تروریسم (۱۳۹۳)، اهداف این قانون عبارتند از:

- ۱- رعایت کنوانسیون بین‌المللی (۱۹۹۹) و کنوانسیون متعاقب آن جهت جلوگیری از تمویل تروریسم.
- ۲- جلوگیری از فراهم نمودن وجوه و دارایی‌ها جهت انجام اعمال تروریستی توسط سازمان تروریستی و تروریستان.
- ۳- رعایت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با تمویل تروریسم و تمویل مالی جهت تکثیر تسلیحات کشتار جمعی

طبق ماده ۱۱ (بند ۳) اشخاص، موسسات مالی و سایر مراجع راپور دهنده مکلفند بعد از ابلاغ تصمیم اداره خرنوالی^۱ (که در زبان فارسی، ثرنوال خوانده می‌شود و به معنای دادستان است) در اسرع وقت اقدامات زیر را اتخاذ نمایند که به برخی از موارد ذیلاً اشاره می‌شود:

- ۱- انجماد وجوه و دارایی‌های سازمان‌ها و اشخاص موضوع قانون.
 - ۲- خودداری از در اختیار قرار دادن مستقیم یا غیر مستقیم وجوه و دارایی متذکره، منابع مالی یا ارائه سایر خدمات مالی به اشخاص شامل لیست تعزیرات یا به نفع آنها
- مجازات شخصی که مرتکب جرم تمویل تروریسم شناخته شود طبق ماده ۲۰، حبس از ۵ تا ۱۵ سال و جزای نقدی از مبلغ چهارصد هزار افغانی تا دو میلیون افغانی است. این مجازات نسبت به مجازات مقرر در قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم کمتر می‌باشد. با توجه به ارتباط نزدیک بین دو جرم تمویل تروریسم و پولشویی در مقررات افغانستان و ذکر مکرر و توأمان این جرایم در قوانین ذکر شده، ذیلاً به برخی از موارد قابل ذکر در قانون مبارزه با پولشویی افغانستان اشاره می‌کنم. طبق ماده ۲ قانون جلوگیری از پولشویی و عواید ناشی از جرایم ۱۳۹۳ هـ. ق این قانون عبارت است از: ۱- حفظ و بهبود سلامت نظام مالی افغانستان. ۲- مبارزه با استعمال موسسات مالی و تشبثات و حرفه‌های غیر مالی مشخص مندرج ماده ۵ این قانون، غرض پولشویی و عواید ناشی از جرایم، تمویل تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی.

مبارزه با تامین مالی تروریسم در ایران

در ایران تاکنون تروریسم به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است ولیکن قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم تحت فشارهای بین‌المللی و در راستای رفع محدودیت‌های ایجاد شده برای نظام بانکی، پس از چند نوبت اصلاح در مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

در حقوق ایران علی‌رغم اینکه تروریسم به طور مستقل جرم‌انگاری نشده است، اما با تصویب قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، قدم‌هایی در این راه برداشته شده است. ایران نیز همانند سایر نظام‌های حقوقی، گام‌هایی در راستای مبارزه با تامین مالی تروریسم برداشته است. تصویب قانون فوق در سال ۱۳۹۴ و آیین‌نامه اجرایی مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۶) یکی از

۱ - لوی خرنوالی بر بنیاد ماده چهارم قانون تشکیل و صلاحیت خرنوالی، جز قوه اجرایی بوده و در اجرات خود مستقل و تابع احکام قانون می‌باشد. تحقیق عموم جرایم، اقامه دعوی جزایی و تعقیب آن علیه متهم در محاکم، وظایف اساسی این اداره را شکل می‌دهد. هیأت رهبری لوی خرنوالی دولت جمهوری اسلامی افغانستان، تلاش می‌کند با رعایت قوانین نافذ کشور، از حقوق و آزادی‌های شهروندان افغانستان دفاع نماید. احترام به ارزش‌های اسلامی، کرامت انسانی و حقوق بشری افراد، یکی از اولویت‌های کاری لوی خرنوالی است. این نهاد به خاطر دفاع از حقوق اتباع افغانستان، تمام دعوی را با قاطعیت، مستقلانه و بی‌طرفانه تحقیق و بررسی می‌کند.

مهم‌ترین قوانین موجود در زمینه مبارزه با تروریسم و تامین مالی آن است. همچنین قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۸) و قانون اصلاح مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۷) و لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی که در مورد تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت، می‌توان الهام گرفت.

قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم با ورود ناقص، بارقه عزم ایران در مقابله با تروریسم و تامین مالی آن تلقی گردید. قانون ذکر شده دارای اشکالاتی بود و البته اجرای همان قانون در برخی موارد موکول به تصویب آیین‌نامه است مانند ماده ۱۷. با توجه به ارتباط مبارزه با تامین مالی تروریسم با بحث پولشویی و اینکه قانون مبارزه با پولشویی دارای اشکالات زیادی بود لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۷ با توجیهاتی مانند عدم تناسب جرم و مجازات، فقدان بازدارندگی و اثر بخشی مجازات‌ها، تحدید دایره شمول جرم منشا به جرایم داخل کشور، عدم امکان پیگرد جرم پولشویی به صورت مستقل از جرم منشا و... توسط دولت به مجلس ارائه می‌گردد. نکات مهم این لایحه از حیث ارتباط آن با جرم تامین مالی تروریسم به قرار زیر است:

در ماده ۷ مکرر این لایحه، اشاره شده است: "به منظور اجرای این قانون و قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، سیاست‌ها و تصمیمات شورای عالی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و مراجع ذی صلاح مربوط، مرکز اطلاعات مالی با منابع و امکانات کافی تحت نظارت و هدایت شورای مذکور در تشکیلات داخلی وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود..." در بند الف ماده ۷۷ مکرر، مرکز ذکر شده را دارای اختیارات خاصی می‌داند: "دریافت، گردآوری و نگهداری اطلاعات معاملات و عملیات مشکوک به پولشویی و تامین مالی تروریسم...". تبصره این ماده به مرکز ذکر شده اجازه دسترسی برخط به اطلاعات مالی و اداری مشکوک و سایر اطلاعات مرتبط با آنها مربوط به پولشویی و تامین مالی تروریسم موجود در وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، گمرک، بانک مرکزی، بانک‌ها، سازمان ثبت احوال کشور، بیمه مرکزی، سازمان امور مالیاتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک، سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با مواد مخدر، سازمان تعزیرات حکومتی و قوه قضائیه را داده است. بند ج ماده ۷ مکرر نیز به "جلوگیری از نقل و انتقال وجوه یا اموال مشکوک به پولشویی و تامین مالی تروریسم و اطلاع به مرجع صالح قضایی ظرف ۷۲ ساعت جهت رسیدگی.

تهیه برنامه‌های آموزشی در زمینه آثار زیانبار پولشویی و تامین مالی تروریسم، فعال نمودن سازمان‌های مردم نهاد، تهیه گزارش به شورای عالی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم

از دیگر داده‌های لایحه موصوف می‌باشد. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۸ به دلیل عدم جانمایی نظرات مجمع تشخیص مصلحت نظام با تکیه بر مغایرت با سیاست‌های کلی نظام، لایحه مورد اشاره را مشمول بند دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخت و مجلس در ۱۳۹۷/۷/۱۹ با عدم اعمال نظر شورای نگهبان، لایحه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع نمود. یکی دیگر از اسناد مثبت عزم جدی ایران در مبارزه با تامین مالی تروریسم، لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۶/۹/۲۱) است، مجلس شورای اسلامی (کمیسیون امنیت ملی) شروطی را بر لایحه مزبور تعیین نموده است (ممنوعیت ارتباط و شناسایی رژیم صهیونیستی، عدم مغایرت کنوانسیون با اصول قانون اساسی ایران و...). سپس مصوبه مجلس در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ به شورای نگهبان تقدیم نموده است و شورای مذکور، در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۶، ۲۲ ایراد فنی بر لایحه وارد نموده و در ذیل نظر خود بیان داشته است: "در هر حال با توجه به ایرادات و اشکالات متعدد مذکور با عنایت به اینکه الحاق به این کنوانسیون، با فرض غیر قابل اصلاح بودن اشکالات وارد بر آن خلاف منافع و امنیت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران است، مغایر موازین شرع شناخته شد. در بررسی قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۴/۱۲/۲۲) و قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۷) معایب زیر مشاهده می‌شود:

۱- عدم رعایت اصول نگارشی در وضع ماده ۱. مطلوب این بود که ماده مذکور به این صورت وضع شود:

"تامین مالی تروریسم عبارت است از تهیه و جمع آوری وجوه و اموال به هر طریق، مصرف منابع مالی حاصل از قاچاق (سلاح، کالا و ارز و ...)، جلب مساعده مالی، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، پول واقعی و مجازی (بیت کوین)، حوالجات، اسناد مالی، حساب سازی، کلاسه شویی مالی، تحصیل مال از طریق نامشروع و هر شکل از مراوده و داد و ستد و عملیات مالی تحت هر عنوان"

۲- ابهام در لفظ "اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید". حد و مرز شدت، نا مشخص است:

- ابهام در لفظ تاثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران
- با توجه به اینکه در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، موارد غیر قابل تعلیق و غیر قابل تعویق ذکر شده است؛ موارد مصرح در بند ب ماده قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در قالب ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نمی‌گنجد و لذا قابل تعلیق و تعویق است.
- تعارض بند ب (۱) ماده ۱ قانون با ماده ۶۸۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم)

- تعارض بند ب (۲) ماده ۱ قانون با ماده ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم)

- تکلیف ماده ۵ قانون بر ضابطان، مالا یطاق است چرا که ضابطان به هیچ‌وجه دسترسی به حساب‌های اشخاص ندارند و کشف این جرم و همه جرایم طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با قوه قضائیه است و نه ضابطان. به نظر می‌رسد ضابطان عام هیچ‌گونه نقشی در این خصوص ندارند مگر به طور اتفاقی پلیس فتا در خلال رسیدگی به یک جرم در فضای نت، با این موارد مواجه شود.

- در ماده ۶ قانون، دادگاه را مکلف به اعمال مجازات تکمیلی تا دو مجازات نموده است؛ حال اینکه در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، قاضی می‌تواند تا چند مجازات اعمال کند که قطعاً واژه "چند" شامل بیش از دو مجازات هم می‌شود؛ لذا انتظار می‌رفت در این قانون با شدت بیشتری به نسبت قانون مجازات اسلامی برخورد می‌کرد.

- عدم رعایت مفاد حکم در مجازات‌های تکمیلی در این قانون (برخلاف ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی) تعیین نشده است.

- در این قانون، جملات حشو به کار رفته است مانند تبصره ۲ ماده ۱۳.

- حکم ماده ۱۵ قانون با ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در تعارض است. البته در صورتی که هر دو جرم را تعزیری بدانیم ولی اگر اقدامات مندرج در قانون با محاربه و افساد فی الارض منطبق بود مشمول ماده ۱۳۲ می‌شود یعنی باید تعدد مجازات حاکم باشد و نه مجازات اشد. قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۷) نیز مصون از ایراد نیست که ذیلاً به برخی از ایرادات آن اشاره می‌شود:

۱- مقید کردن اقدامات تروریستی به گروه‌ها و افراد تروریست، اشتباه است؛ چرا که ممکن است این اقدام توسط گروه‌های تروریستی انجام شود که به سطح سازمان نرسد.

۲- با توجه به اینکه اساساً ماده ۵۱۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، از ایرادات جدی برخوردار است، تکرار آن در بند الف ماده ۱ قانون، مبین عدم عزم مقنن در اصلاح مقررات غلط می‌باشد. سوء قصد کاملاً مبهم است.

۳- عدم رعایت موازین عدالت در تبصره ۱ ماده ۱ قانون و مخالفت آن با ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی.

۴- تعیین مجازات درجه ۷ برای ارتکاب این عمل در صورت اهمال و سهل انگاری با شدت آثار این جرم به هیچ وجه تناسبی ندارد.

۵- باتوجه به تأیید لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی در آذر ۱۳۹۷ در مجمع تشخیص

مصلحت نظام، آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم، فاقد کارایی لازم است و با مفاد قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم که موخرالتصویب است در تعارض است.

۶- نامشخص بودن لیست تحریمی‌ها (موضوع ماده ۲ آیین‌نامه مذکور) ابهام وسیعی در

نحوه اجرای قانون اصلاح قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم ایجاد می‌نماید.

۷- قانون مذکور فاقد آیین‌نامه اجرایی مناسب جهت پیش می‌باشد و حکم ماده ۸ آیین‌نامه نامشخص است. آیین‌نامه اجرایی ذکر شده باید در مقام رفع ابهامات و برای تعیین شرح وظایف رده‌های دخیل به تصویب می‌رسید.

۸- حکم تبصره ماده ۳ با توجه به حقایق ساختار اداری کشور، غیر قابل اعمال است؛ چرا که اجرای آن مستلزم اتصال ادارات ثبت اسناد و املاک، پلیس و... به سامانه تحت یک پنجره می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تروریسم با هر انگیزه‌ای که صورت گیرد، دارای عقبه‌ای مالی است. مبارزه با تامین مالی تروریسم با نگاه سزادهی شدید باید به وضع قوانین بین‌المللی مبدل شود. کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در مواجهه با تروریسم و مقابله با تامین مالی تروریسم است. قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم (۱۳۹۴) اولین گام تخصصی برای ورود مقنن به مبارزه با این موضوع بود که قانون موصوف در سال ۱۳۹۷ به اصلاح انجامید و حتی لایحه مبارزه با پول‌شویی نیز در (آذر ۱۳۹۷) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. قانون مبارزه علیه تمویل تروریسم (۱۳۸۳) در افغانستان با همین توجیه تصویب شده است. مقایسه اسناد فوق به این نکته ختم می‌شود که با توجه به اشکالات فنی قوانین معنون در افغانستان و ایران نیاز به اصلاح مقررات موجود می‌باشد.

با مطالعه برخی از جنبه‌های مبارزه با تروریسم دریافتیم دولت‌ها نقش بسیار پراهمیتی در این راه ایفا می‌کنند. نظام بین‌الملل به مدد تابعان بین‌المللی که همانا دولت‌ها هستند، تاکنون در حفظ منافع بین‌المللی که سرانجام آن صلح و امنیت بین‌المللی است، توانسته راه مبارزه را هموار و قاعده‌مند سازد. دولت‌ها باید در راه مبارزه با تروریسم به اندازه‌ای قاعده‌مند حرکت کنند که مبانی کار زیر سؤال نرود زیرا به معنای نقض آشکار تعهدات بین‌المللی است. به هر حال وجود قدرتهای دولتی در راه مبارزه با تروریسم به‌اندازه پایبندی به منافع مشترک بین‌المللی اهمیت دارد؛ بنابراین مبارزه بر ضد تروریسم می‌تواند در سه سطح انجام پذیرد: یکم، اقدام برضد دولت‌های حامی تروریسم؛ دوم، اجبار بر ضد رهبران سازمان تروریستی در نواحی تحت حوزه قضائی سایر دولت‌ها؛ سوم، حملات نظامی برضد پایه‌های تروریستی واقع شده در قلمرو سایر دولت‌ها.

در حال حاضر در قانون ایران، تروریسم جرم‌انگاری نشده است و لایحه تروریسم در سال ۱۳۸۲ از طرف دولت به مجلس داده شده است که تاکنون تصویب نشده ولی قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم در کشور ما در اواخر سال ۱۳۹۴ تصویب شده است در حالی که می‌بایستی بدو قانونی تحت عنوان مبارزه با تروریسم را تصویب نموده و جرم‌انگاری نماییم و سپس تامین مالی تروریسم را به عنوان یکی از شیوه‌های مبارزه با تروریسم در نظر بگیریم. با توجه به اهمیت جرم پولشویی، قانون پولشویی افغانستان که هر چند ممکن است در جزئیات متفاوت از شناسایی اولیه و کامل اشخاص حقیقی و حقوقی در قانون ایران باشد اما از نظر شکلی قابل تطبیق به نظر می‌رسد. با این تفاوت که نحوه تدابیر شدید تثبیت هویت مشتریان توسط قانون تنظیم نگردیده بلکه توسط مرجع نظارتی ذی صلاح تعیین و تطبیق می‌شود.

کشورهای ایران و افغانستان نیز به منظور مقابله با پولشویی تدابیر کنترلی جهت نظارت از فعالیت‌های مؤسسات مالی در قوانین مقررات مبارزه با پولشویی شان در نظر گرفته‌اند. چنانچه براساس جزءهای ۱ و ۲ ماده نوزدهم قانون پولشویی افغانستان، نظارت از انجام معاملات و تعیین مسئول نظارت بر تطبیق از احکام قانون جلوگیری از پولشویی، جزو مکلفیت‌های عمده مرجع راپور دهنده دانسته شده است. همین‌طور در جزء ۳ ماده ۲۲ این قانون، جمع‌آوری معلومات و سایر اطلاعات مربوط از مراجع راپور دهنده به منظور نظارت و مراقبت بیشتر از فعالیت‌های آنها یکی دیگر از وظایف و صلاحیت‌های مراجع ذی‌صلاح نظارتی محسوب گردیده است. ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی ایران، تمامی اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون را مکلف به تهیه و تدوین معیارهای کنترل داخلی و به منظور رعایت مفاد این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن نموده است و نیز همان‌گونه که بیان شد در بند ج ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون پولشویی، نظارت بر فعالیت مشتریانی که از خدمات پایه استفاده می‌کنند به منظور شناسایی معاملات مشکوک از مکلفیت‌های اشخاص مشمول قانون مبارزه با پولشویی محسوب شده است. بر این اساس موسسه‌ها در تدوین طرح‌های نظارتی خود باید بکوشند فعالیت‌های مشکوک و غیرعادی را مشخص کنند و اقدامات مناسبی را برای مقابله با آن انجام دهند.

در قانون جلوگیری از پولشویی افغانستان، بدون اینکه معیارها پرداخته و یا آنها را احصا نماید، تنها به ذکر داشتن شک مبنی بر مرتبط بودن معامله با عواید ناشی از جرم و یا اجرای معامله به هدف پولشویی و تمویل تروریسم و همین‌طور ارتباط وجوه به شخص یا سازمان تروریستی و یا استفاده از وجوه به قصد اعمال تروریستی اکتفا نموده و این‌گونه موارد را از معاملات مشکوک محسوب کرده است. در حالی که قانونگذار ایرانی تنها داشتن شک را برای شناسایی معاملات مشکوک، کافی نداشته بلکه داشتن ظن ناشی از اطلاعات و یا قراین و شواهد منطقی را در انجام

معاملات به منظور پول‌شویی مدار اعتبار دانسته است.

قانونگذار افغانستان در ماده ۲۳ قانون پولشویی، پیش‌بینی نموده است: "اشخاص تابع احکام این قانون مکلف‌اند، با واحد استخبارات مالی و سایر مراجع ذی‌صلاح نظارتی، همکاری نموده و از ممانعت یا اخلال در وظایف یا صلاحیت‌های قانونی آنها اجتناب نمایند، در غیر آن مطابق حکم مندرج فقره (۳) ماده ۵۲ این قانون مجازات می‌گردد" در قانون مبارزه با پولشویی ایران چنین الزامی (همکاری با مراجع نظارتی) در این خصوص و یا ضمانت اجرای کیفری در صورت عدم همکاری، دیده نمی‌شود. تنها در تبصره ۳ ماده ۴ این قانون کلیه‌ی آیین‌نامه‌های شورای عالی مبارزه با پول‌شویی را پس از تصویب هیئت وزیران لازم‌الاجرا دانسته و برای متخلف از این امر، مجازات ۲ تا ۵ سال انفصال از خدمت مربوط در نظر گرفته است.

در ایران بر اساس بند "ه" ماده ۷ قانون مبارزه با پول‌شویی، آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن، جزو وظایف اشخاص مشمول این قانون از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها و سایر موسسات مالی و اعتباری به حساب آمده است. بر اساس کلیه اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول قانون موظف به اجرای آموزش کارکنان و مدیرانی هستند که در معرض و رویارویی با پولشویی قرار دارند. و همین‌طور در بند ۴ ماده ۷ "مقررات پیشگیری از پول‌شویی در مؤسسات مالی"، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف گردیده‌اند که به منظور مبارزه با پولشویی، دستورالعمل داخلی مشخصی را تدوین نموده که این دستورالعمل شامل پیش‌بینی برنامه‌های آموزشی مطلوب برای کارکنان به منظور شناسایی و پیشگیری از عملیات مشکوک باشد. در قانون پولشویی افغانستان علاوه بر اینکه مرکز تحلیل عهده‌دار آموزش کارکنان و آشنایی آنها با روش‌های پولشویی است. براساس جزء چهار فقره یک ماده ۱۹ این قانون مراجع راپور دهنده نیز که تابع احکام این قانون هستند مکلف‌اند که آموزش مداوم مسئولین و کارکنان مربوط را جزء برنامه‌های داخلی و سرلوحه کاری خویش قرار دهند. یعنی همان طوری که بند "ه" ماده ۷ قانونگذار افغانستان نیز عین همین تدابیر را در قانون پولشویی پیش‌بینی نموده است. تنها با این تفاوت که در قانون پولشویی از دو مرجع مختلف اداری؛ یعنی مرکز تحلیل (مرجع اداری اختصاصی) و مرجع راپور دهنده (مرجع اداری غیر اختصاصی) استفاده می‌شود. حال آنکه براساس قانون مبارزه با پولشویی ایران، اجرای برنامه‌های آموزشی مطلوب برای کارکنان را تنها اشخاص مشمول پیش می‌برند و آنها را عهده‌دار می‌باشند. قانونگذاران ایرانی و افغانستانی با توجه به- ظرفیت و پتانسیلی که رسانه‌ها در پیشگیری از جرم پولشویی و سایر جرایم سازمان یافته یافته فراملی پیش‌بینی نکرده است

منابع فارسی

کتاب

- افشار قوچانی، زهره (۱۳۹۷)، *فورفیتینگ تامین مالی از طریق واگذاری اسناد مطالبات تجاری*، چاپ اول، انتشارات میزان
- سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی، احمد علی ثالث‌موید، *حقوق کیفری اقتصادی پوشویی*، انتشارات میزان، چاپ اول
- رضایی، علی (۱۳۹۴)، *حقوق تامین مالی در تجارت بین‌الملل*، انتشارات میزان، چاپ اول
- وزارت عدلیه (۱۳۹۳)، *قانون جلوگیری از تمویل تروریسم*، نشر بهیر

مقالات

- بابک پورقهرمانی، صادق اسماعیل زاده (۱۳۹۳)، *بررسی ضرورت‌ها و موانع مبارزه با تأمین مالی تروریسم: مطالعه موردی تامین منابع از طریق پولشویی*، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۸
- حمید الهویی نظری، امیر جلالی (۱۳۹۶)، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین کننده مالی تروریسم*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳
- خلیلی پاجی عارف (۱۳۹۶)، *امکان‌سنجی تأمین مالی تروریسم در پرتو ارزشهای مجازی*، همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، دانشگاه علامه طباطبایی
- امین جعفری، علی کشوری (۱۳۹۶)، *مبارزه با تامین مالی تروریسم در نظام بانکی ایران*، همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، دانشگاه علامه طباطبایی
- شمس‌ناتری محمد ابراهیم، اسلامی داود (۱۳۹۴)، *ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم*، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲

English Resources

- Adames, James (1986), **The Financing of terror London: New English Library**
- Barrett, Richard (2012), **Preventing the financing of terrorism**, Case Western Reserve, Journal of International Law, Vol. 44, Issue 3
- Paulussen, Christophe (2012), **Impunity for International Terrorists? Key Legal Questions and Practical Considerations**, ICCT
- The Counter-Terrorism Committee Executive Directorate (CTED) (2001), **Technical guide to the implementation of Security Council resolution 1373 and other relevant resolutions**
- UNODC Model Money Laundering (2003), **Proceeds of Crime and Terrorist Financing Bill**